

نگرشی تحلیلی به قابلیت انتقال عین یا منفعت در ارز دیجیتال

ستاره ایوبی

دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول)

setare.ayoubi@gmail.com

سام محمدی

استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

s.mohammadi@umz.ac.ir

سیدحسن حسینی مقدم

دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی به بررسی چالش‌های حقوقی و فقهی ارزهای دیجیتال در انعقاد عقود سنتی مانند بیع، اجاره و قرض می‌پردازد. علت تمرکز بر این عقود آن است که در نظام حقوقی و فقهی، این قراردادها از مهم‌ترین ابزارهای نقل و انتقال دارایی محسوب می‌شوند. با توجه به تعریف‌های پذیرفته‌شده در قانون مدنی و متون فقهی که این عقود را ناقل عین یا منافع عین می‌دانند، مسئله این است که ارزهای دیجیتال، با ماهیت غیرعینی و دیجیتال خود، تا چه اندازه با این چارچوب سازگارند؟ همچنین، قابلیت توقیف ارزهای دیجیتال در چارچوب فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این راستا، پژوهش حاضر بر معیارهای عام و قواعد کلی موجود در حقوق و فقه تمرکز دارد و تلاش می‌کند ارزهای دیجیتال را با این معیارها تطبیق دهد، نه اینکه معیارهای جدیدی برای مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها خلق کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در فقه اسلامی، ارزهای دیجیتال به دلیل دارا بودن مالیت، قابلیت انتقال و استفاده مشروع، می‌توانند موضوع بیع و قرض قرار گیرند. با این حال، اجاره این دارایی‌ها به دلیل ابهام در تعریف منافع مشخص و مشروع، با چالش‌هایی همراه است. در این میان، اصل اباحه نیز می‌تواند در بررسی مشروعیت این معاملات مورد توجه قرار گیرد. با این وجود، برخی از فقها بر این عقیده‌اند که معاملات ارزهای دیجیتال غرری و همراه با خطر است و نمی‌توان صحت آن را پذیرفت. در این خصوص، توجه به فتوای مقام معظم رهبری نیز ضروری است. در حقوق مدنی ایران نیز، بیع و قرض ارزهای دیجیتال به دلیل ارزش اقتصادی و قابلیت نقل و انتقال آنها مورد پذیرش است، اما اجاره آنها نیازمند بازنگری در اصول و شرایط کلاسیک اجاره است. از سوی دیگر، توقیف ارزهای دیجیتال به عنوان یک اقدام اجرایی در حقوق مدنی و کیفری ایران، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد این

دارایی‌ها نظیر ناشناسی، غیر متمرکز بودن و وابستگی به بسترهای فناوری، با موانع حقوقی و فنی مواجه است. این پژوهش بر ضرورت تدوین مقررات شفاف و جامع برای تنظیم این حوزه تأکید دارد تا علاوه بر تضمین مشروعیت شرعی و حقوقی، از کارآمدی اجرایی این مقررات اطمینان حاصل شود. نظر به چالش‌های موجود، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با در نظر گرفتن دیدگاه‌های فقهی مختلف، به‌ویژه فتوای مقام معظم رهبری، به تدوین مقرراتی بپردازد که ضمن حفظ مصالح عمومی، مانع سوءاستفاده از این ابزارهای مالی شود. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است

واژگان کلیدی: بیع، اجاره، قرض، ارز دیجیتال، اموال، عین، منفعت.

نسخه پیش از انتشار

مقدمه

جهان امروز، با شتابی بی سابقه به سوی دیجیتالی شدن در حرکت است و ارزشهای دیجیتال، به عنوان یکی از دستاوردهای برجسته این تحول، ساختارهای اقتصادی، تجاری و حقوقی را با تغییرات بنیادین مواجه کرده اند. این دارایی های نوظهور که بر بستر فناوری بلاک چین و بدون نیاز به نظارت مرکزی فعالیت می کنند، مفاهیمی نظیر مالکیت، قابلیت نقل و انتقال و ارزش اقتصادی را از چارچوب سنتی خود خارج کرده و در قالبی جدید بازتعریف کرده اند (ایوبی، ۱۴۰۳: ۳۴-۵۱). با ورود گسترده ارزشهای دیجیتال به عرصه معاملات، پرسش هایی پیچیده در خصوص تطابق آنها با نظام های حقوقی و فقهی مختلف مطرح شده است. در حقوق اسلامی و مدنی ایران، ارکان عقود بر اساس مفاهیمی همچون ایجاب و قبول، اهلیت طرفین، موضوع معین و مشروعیت جهت تعیین می شوند. در این میان، جایگاه ارزشهای دیجیتال به عنوان موضوع عقود، همچنان محل بحث و بررسی است. با توجه به ماهیت ارزشهای دیجیتال، می توان آنها را نوعی پول یا وسیله مبادله دانست که به عنوان جایگزینی برای ارزشهای رایج مورد استفاده قرار می گیرد. از این رو، معاملات مرتبط با ارزشهای دیجیتال را می توان در چارچوب قواعد عمومی بیع و سایر قراردادهای مالی، مشابه آنچه در خصوص ارزشهای خارجی اعمال می شود، تحلیل کرد. با این حال، امکان توقیف این دارایی ها به لحاظ حقوقی و قانونی، وابسته به پذیرش آنها به عنوان مال قابل تملک و قابلیت شناسایی حقوقی در نظام های حقوقی مختلف است. این موضوع نیازمند بررسی دقیق در پرتو قوانین مدنی، فقه اسلامی و مقررات بانکی و مالی است.

اهمیت این موضوع از دو منظر قابل توجه است. نخست، رشد روزافزون استفاده از ارزشهای دیجیتال در مبادلات روزمره و تجاری، به ویژه در جوامعی که با محدودیت های مالی و بانکی بین المللی مواجه هستند، نیازمند ارائه چارچوبی حقوقی و شرعی برای تنظیم این معاملات است. دوم، ضرورت تدوین قواعدی روشن برای تعیین حدود و ثغور مالکیت، انتقال و توقیف ارزشهای دیجیتال در دعاوی حقوقی و کیفری اهمیت دارد. نتایج این پژوهش می تواند در راستای رفع خلأهای حقوقی مرتبط با ارزشهای دیجیتال و تسهیل تدوین مقررات منطبق بر واقعیت های نوین اقتصادی و فناوری، گامی مهم بردارد و به جامعه حقوقی و قضایی در مواجهه با این پدیده نوین یاری رساند.

۱- مفهوم لنوی و اصطلاحی مال

در قانون مدنی تعریف دقیقی از مال ارائه نشده است، ولی این کلمه عربی که از مصدر "میل" گرفته شده، به معنای خواستن است. در اصطلاح، مال به چیزی گفته می شود که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد (معین: ۱۳۷۶: ۱۸۸۳). می توان گفت هر آنچه قابل انتفاع باشد، بدین معنا که مفید بوده و نیازی را برطرف سازد و همچنین قابل اختصاص یافتن باشد که باعث می شود افراد نسبت به آن رغبت نشان دهند، مال است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۹). شایان ذکر است که برخی از اشیاء هرچند با توجه به این تعاریف مال محسوب می شوند، اما به دلیل منع شرعی امکان خرید و فروش آنها در جوامع اسلامی وجود ندارد، مانند مشروبات الکلی و گوشت خوک. حقوقدانان نیز در این رابطه نظرات

مشابهی دارند. برخی در تعریف مال نوشته‌اند: «مال چیزی است که به علت منافع واقعی یا اعتباری آن مورد رغبت عقلاء واقع شده است و در مقابل آن چیزی از نقود و غیره می‌پردازند... ممکن است چیزی با اینکه دارای اوصاف مذکور است به علت کثرت وجود از مالیت ساقط گردد، مانند آب در کنار رودخانه، سنگ در کوهستان و هوا در اکثر نقاط. به همین جهت بعضی از فقها برای اخراج این گونه امور، قید تنافس یعنی رقابت و پیش‌دستی در راه به‌دست آوردن آن را در تعریف مال افزوده‌اند. بنابراین، مال چیزی است که به علت شرایط خاص خود از نظر عقلاء، دارای ارزش و اعتبار شده است، اعم از آنکه به کسی اضافه داشته باشد یا نداشته باشد.» (گرجی، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۸).

در قانون مدنی، واژه مالیت در ماده ۲۱۵ دیده می‌شود که مقرر داشته: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد.» همچنین، ماده ۳۴۸ قانون مدنی می‌گوید: «بیع چیزی که... مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد... باطل است.» با توجه به اینکه در قانون مدنی ایران هیچ تعریف دقیقی از مال ارائه نشده است، همین امر موجب شده است که هر یک از حقوق‌دانان در خصوص معنای اصطلاحی مال تعریفی ارائه دهند. با این حال، در حقوق کنونی، مال مفهوم گسترده‌تری دارد: احتمال دارد موضوع حق مورد تملیک شرع مادی نباشد. در قانون مدنی نیز با وجود اینکه قانون‌گذار به تعریف مال نپرداخته است، اما با بررسی این قانون (از جمله مواد ۱۲۱۷، ۱۲۱۴، ۹۴۶، ۸۷۲) می‌توان دریافت که قانون‌گذار مال را در معنای گسترده خود مورد توجه قرار داده است و بر اساس آن، مال به تمام اشیاء و حقوقی که دارای ارزش اقتصادی هستند، اطلاق می‌شود (کاتوزیان: ۱۳۸۵: ۱۰). حق مالی امتیازی است که حقوق هر کشور به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص به آنها می‌دهد (کاتوزیان: ۱۳۸۵: ۱۲).

از آنچه تاکنون بیان گردید، مال باید قابلیت مبادله و داد و ستد داشته باشد و این امر اصولاً تابع یک معیار عرفی نوعی است (کاتوزیان: ۱۳۸۶: ۱۰). اما باید اذعان داشت که همیشه این گونه نیست، بلکه در یک مبادله باید برای نظر طرفین احترام قائل شد و ارزش را در محدوده اراده آن‌ها تفسیر کرد. چه بسا اموالی که از دید عرف مالیت نداشته، ولی برای شخص ارزش و مالیت داشته باشند. مثلاً ممکن است یک عکس یادگاری یا یک لامپ سوخته برای شخص یا اشخاصی دارای ارزش باشد، هرچند از نظر دیگران فاقد ارزش بوده و برای آن بهایی نپردازند. به نظر می‌رسد در جامعه کنونی که با پیشرفت علم و تکنولوژی، شیئی یافت نمی‌شود که مطلقاً ارزش اقتصادی نداشته باشد. پس می‌توان گفت مالیت داشتن یک مفهوم اعتباری و نسبی است (ایوبی، ۱۴۰۳: ۳۱).

اگرچه تعاریف متعددی از مال توسط فقیهان صورت گرفته شده است اما اگر بخواهیم از تعریف دوری مال که برخی فقیهان بیان کرده‌اند (المال ما یُبدَلُ بِإِزَاءِ المال) پرهیز کنیم، می‌توان گفت مال آن چیزی است که پرداخت پول یا کالای با ارزش دیگر در مقابل آن، هم از نظر عرف و هم از نظر شرع، جایز شناخته شود (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۸۲). بنابراین، چیزهایی مثل هوا یا حشرات یا غذاهای فاسد شده که از نظر عرف قابل مبادله با کالای با ارزش دیگری شناخته

نمی‌شوند (جز در شرایط استثنایی مثل هوای موجود در محفظه اکسیژن دو غواص زیر دریا)، مال محسوب نمی‌شوند و در نتیجه ربایش آن‌ها سرقت محسوب نخواهد شد.

از سوی دیگر، کالاهایی چون آلات لهو یا مشروبات الکلی که از نظر فقه اسلامی و قانون ایران ذاتاً فاقد ارزش هستند، مال محسوب نمی‌شوند و بنابراین ربایش آن‌ها جز در موارد استثنایی (مثل این که غیرمسلمانی از غیرمسلمان دیگر خمر برباید) سرقت محسوب نمی‌گردد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۲۰۸). با این حال، مفهوم مال در نظام حقوقی پویا بوده و همواره در حال تغییر است. بسیاری از اشیاء که در گذشته مال نبوده‌اند، امروزه به عنوان مال شناخته می‌شوند. به عنوان مثال، خون که زمانی خرید و فروش آن حرام بود، امروزه با توجه به نیاز جامعه به آن مال تلقی می‌شود و مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد. علاوه بر این، امروزه بحث مال بودن اموال جدیدی مانند اموال فکری که در گذشته دور قابل تصور نبوده‌اند، مطرح است و عقلاء و عرف جامعه آن‌ها را مال می‌دانند که در سال‌های اخیر با بالا رفتن حجم تولیدات اینگونه اموال و همچنین گسترش ارتباطات در سطوح ملی و بین‌المللی و خاصه از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت و قابلیت دسترسی آسان و سریع به اندیشه‌های پدیدآورندگان؛ با تهدیدات جدی از حیث سوءاستفاده از حقوق آفرینندگان آن مواجه شده است (پروین و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۱).

۲- مفهوم بیع

«بیع» اصطلاحی است فقهی و حقوقی که به نوعی معامله اطلاق می‌شود که در آن کالایی با عوضی مشخص، چه به صورت کالا و چه به صورت وجه نقد، مبادله می‌شود. بیع از عقود لازم است و در منابع فقهی به عنوان یکی از معاملات اصلی مالی مطرح می‌شود. بسیاری از احکام معاملات دیگر بر اساس قواعد بیع توسعه یافته است. به طور کلی، بیع به معنای مبادله مال در برابر مال است (ابوالقاسم نجم الدین، ۱۳۷۴: ۱۳).

حق در فقه اسلامی به معنای نوعی امتیاز یا قدرت قانونی است که به شخص خاصی داده می‌شود (حسن خانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۹)، مانند حق شفعه یا حق ارتفاق. این حقوق ممکن است قابل انتقال باشند، مانند حق انتقال مالکیت، یا غیرقابل انتقال باشند، مانند حق حضانت. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۵۳-۸۵). اما در مورد ارزهای دیجیتال، مسأله انتقال عین یا منافع آن‌ها از منظر فقهی و حقوقی نیاز به بررسی دقیق دارد. ارزهای دیجیتال مانند بیت‌کوین فاقد عینیت فیزیکی هستند و صرفاً در فضای دیجیتال وجود دارند، اما در عین حال قابلیت مبادله، ذخیره ارزش و معامله را دارند. بنابراین، برخی از فقها ممکن است ارز دیجیتال را نوعی «مال» بدانند، زیرا دارای ارزش اقتصادی، قابلیت انتقال و امکان معامله است. این مسأله باعث می‌شود که بتوان امکان تحقق بیع یا اجاره این ارزها را مورد تحلیل قرار داد. در فقه اسلامی، انتقال مال از طریق بیع یا اجاره مستلزم وجود یک مال قابل تملک و تصرف است. از این منظر، اگر ارز دیجیتال را نوعی مال بدانیم، باید بررسی کرد که آیا شرایط عقد بیع یا اجاره بر آن صادق است یا خیر. برای مثال، در بیع، باید مبیع قابلیت تسلیم و قبض داشته باشد و از نظر شرعی و قانونی مورد پذیرش باشد. همچنین در اجاره، باید منافع مشخص

و قابل بهره‌برداری از مورد اجاره وجود داشته باشد. از نظر آیت‌الله سید محمدعلی علوی گرگانی «چنانچه این گونه ارزشها داری اعتبار و پشتوانه حکومتی و بین‌المللی باشد و از غش و فریب در معامله مصون باشد معامله با آنها اشکالی ندارد و استخراج رمزارزها طبق قوانین حکومتی مانعی ندارد.»

در پاسخ به اینکه آیا ارزش دیجیتال مال است یا حق؟ باید گفت که با توجه به تعریف مال و حق در فقه، ارزش دیجیتال می‌تواند به‌عنوان مال در نظر گرفته شود، چرا که ارزش اقتصادی دارد و می‌تواند موضوع بیع و معاوضه باشد (مددی، ۱۴۰۱: ۳۰۷-۳۱۵). اگرچه ارزش دیجیتال عینیت فیزیکی ندارد، اما همچنان می‌توان آن را «مال» غیرعینی دانست، که شبیه به مال اعتباری (مانند پول رایج) است. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که پول رایج در فقه اسلامی معیار ارزش‌گذاری است و بیع آن با خود آن موضوع بیع قرار نمی‌گیرد، بلکه معمولاً صرف مبادله است. اما ارزش دیجیتال به‌عنوان یک کالای دیجیتال دارای ارزش اقتصادی مستقل است و بنابراین موضوع بیع قرار می‌گیرد. براین اساس، ارزش دیجیتال را می‌توان به‌عنوان «مال» در نظر گرفت و نه صرفاً یک «حق».

۳- امکان سنجی بیع ارزش دیجیتال

بیع در فقه اسلامی به معنای انتقال مالکیت مال از یک فرد به فرد دیگر در قبال عوض است (ابوالقاسم نجم الدین، ۱۳۷۴: ۱۴). برای اینکه چیزی قابل بیع باشد، باید شرایط خاصی را داشته باشد، از جمله اینکه مالیت داشته باشد (یعنی دارای ارزش اقتصادی باشد)، قابلیت انتقال داشته باشد، و معین و مشخص باشد. ارزش دیجیتال یک مال دیجیتال است که با استفاده از فناوری بلاک‌چین تولید و مدیریت می‌شود. هرچند ارزش دیجیتال شکل فیزیکی ندارد، اما دارای ارزش اقتصادی است و قابلیت انتقال و خرید و فروش را دارد. به همین دلیل می‌توان آن را نوعی مال غیرعینی (غیرمادی) در نظر گرفت که می‌تواند موضوع بیع قرار گیرد. به نظر می‌رسد که می‌توان گفت از منابع فقهی اینگونه استنباط کرد که دلایل زیر می‌تواند توجیه‌گر امکان‌پذیری بیع ارزش دیجیتال باشد:

ارزش اقتصادی: ارزش دیجیتال مانند سایر دارایی‌های دیجیتال (مانند سهام یا اوراق بهادار) دارای ارزش اقتصادی است و می‌تواند در معاملات به عنوان عوض مورد استفاده قرار گیرد.

قابلیت انتقال: ارزش دیجیتال از طریق شبکه‌های دیجیتال به راحتی قابل انتقال است و این امر آن را به یک دارایی قابل معامله تبدیل می‌کند.

شرط مالیت: برخی از فقها بر این باورند که مالیت یک چیز به معنای داشتن ارزش در نزد مردم است، نه لزوماً داشتن عینیت فیزیکی (ایروانی، ۱۴۰۶ق: ۱۲۸). از این منظر، ارزش دیجیتال چون ارزشمند است، می‌تواند مال محسوب شود و در نتیجه قابل بیع است.

ارز دیجیتال، به دلیل ماهیت خاص خود و عدم وابستگی به یک دولت خاص، بیشتر شبیه به یک دارایی دیجیتال عقلایی است تا پول رایج. برخلاف پول رایج که معمولاً به عنوان معیار ارزش گذاری و واسطه مبادلات عمل می کند و به خودی خود موضوع بیع قرار نمی گیرد (مگر در موارد خاص مانند صرافی)، ارز دیجیتال می تواند موضوع انتقال قرار گیرد. اما برای تحلیل امکان بیع یا اجاره ارز دیجیتال، ابتدا باید ماهیت آن را بررسی کرد که آیا ارز دیجیتال عین محسوب می شود یا منفعت و یا آنکه نوعی دارایی جدید عقلایی است؟ بررسی این پرسش از منظر فقهی و حقوقی می تواند مبنای روشنی برای امکان سنجی بیع و اجاره آن فراهم کند. برخی ممکن است با توجه به نوظهور بودن این پدیده و تفاوت در تفسیر شرایط مالیت و بیع، دیدگاه های متفاوتی ارائه دهند. بنابراین، تحلیل دقیق تر ویژگی های ارز دیجیتال و تطبیق آن با مفاهیم کلاسیک عین، منفعت یا دارایی های عقلایی می تواند در نتیجه گیری درباره قابلیت بیع یا اجاره آن مؤثر باشد.

بیع در علم حقوق به معنای «انتقال مالکیت یک مال در برابر عوض معین» است. این قرارداد تملیکی با انعقاد خود موجب انتقال مالکیت مال به خریدار می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴). همچنین، بیع از عقود معوض محسوب می شود، زیرا در قبال مبیع، عوضی معین دریافت می گردد. در تحلیل امکان بیع یا اجاره ارز دیجیتال، باید ابتدا بررسی شود که آیا ارز دیجیتال از منظر حقوقی قابلیت تملک و انتقال دارد یا خیر. همچنین، ضروری است که مشخص شود این نوع دارایی در چارچوب مفاهیم سنتی عقود، از جمله بیع و اجاره قابل تطبیق است یا نیاز به نهادهای حقوقی جدیدی دارد.

۴- امکان سنجی قرض ارز دیجیتال

قرض در علم حقوق به عنوان قراردادی تعریف می شود که بر اساس آن، یکی از طرفین مقدار مشخصی از مال خود را به دیگری واگذار می کند و طرف مقابل موظف است مثل همان مال را از نظر مقدار، جنس و وصف بازگرداند. برخی ویژگی های قرض عبارتند از: ۱) تملیکی بودن؛ یعنی پس از توافق طرفین، مال به مالکیت طرف مقابل درمی آید. ۲) معوض بودن؛ به این معنا که طرف مقابل باید معادل یا قیمت مال قرض گرفته شده را بازگرداند. ۳) لازم بودن؛ به این معنا که قرض دهنده نمی تواند قرارداد را فسخ کند. بر اساس ماده ۶۴۸ قانون مدنی، قرض عقدی است که در آن یکی از طرفین مال خود را به طرف دیگر واگذار می کند تا مشابه آن را بازگرداند، و در صورت عدم امکان، قیمت روز بازپرداخت را پرداخت کند (مدنی، ۱۳۸۵: ۱۴۹). برخلاف تصور عموم، قرض تنها به پول محدود نمی شود. قانون بیان می کند که قرض می تواند به هر نوع مالی اختصاص یابد. دلیل بازگرداندن مثل مال این است که قرض دهنده همان مقدار اولیه را دریافت کند، نه بیشتر، زیرا این کار به عنوان ربا شناخته می شود. در گذشته، قرض معمولاً شامل کالاهایی مانند گندم بود و همان مقدار عیناً بازگردانده می شد. اما امروزه قرض بیشتر به پول مربوط است و ارزش پول ثابت نمی ماند. برای جبران این تغییرات، قانون راهکارهایی مانند خسارت تأخیر تأدیه را در نظر گرفته است. قرض ارز دیجیتال در فقه و حقوق موضوعی پیچیده است که به ویژه در شرایط کنونی با رشد سریع فناوری های مالی و ظهور انواع مختلف ارزهای

دیجیتال، اهمیت زیادی پیدا کرده است. در فقه اسلامی، قرض (یا "قرض الحسنه") به معنای قرض دادن پول به کسی بدون دریافت بهره است. اصول کلی فقهی در مورد قرض شامل موارد زیر است:

- **عدم بهره‌گیری از بهره:** در اسلام، دریافت بهره یا ربا بر قرض‌های مالی ممنوع است.
 - **وضوح و شفافیت:** قرض باید به‌طور شفاف و واضح تعیین شود تا هر دو طرف قرارداد به‌طور کامل از شرایط آن آگاه باشند.
 - **قابلیت بازپرداخت:** مبلغ قرض باید مشخص و معین باشد و در زمان بازپرداخت باید به‌طور کامل پرداخت شود.
- در مورد ارزش دیجیتال، چون این نوع دارایی‌ها نسبت به پول‌های سنتی ویژگی‌های خاصی دارند (مانند نوسانات شدید قیمت، عدم وجود نهاد مرکزی)، فقیهان مسلمان باید به جزئیات فنی و ماهیت این دارایی‌ها توجه کنند. برخی از مسائل فقهی که ممکن است مطرح شود شامل:
- **ماهیت ارزش دیجیتال:** آیا ارزش دیجیتال به‌عنوان "پول" در نظر گرفته می‌شود یا دارایی دیگری؟ این موضوع بر اساس تعریف و ویژگی‌های ارزش دیجیتال بررسی می‌شود.
 - **ریسک و نوسانات:** نوسانات بالای قیمت ارزش دیجیتال ممکن است مسائلی را درباره عدالت و وضوح قرارداد قرض ایجاد کند.
 - **رعایت اصول شرعی:** بررسی تطابق یا عدم تطابق ارزش دیجیتال با اصول شرعی مانند عدم ربا و صحت معاملات.
- از نظر حقوقی، موضوع قرض ارزش دیجیتال نیز ابعاد مختلفی دارد. در قراردادهای قرض ارزش دیجیتال، لازم است که شرایط قرارداد به‌طور واضح مشخص شود. این شامل مبلغ قرض، شرایط بازپرداخت، و نحوه محاسبه و تبدیل ارزش ارزش دیجیتال است. کشورهای مختلف قوانین متفاوتی درباره ارزش دیجیتال دارند. برخی از کشورها ممکن است مقررات خاصی برای معاملات و قرض‌های مربوط به ارزش دیجیتال وضع کرده باشند (حیدری، ۱۴۰۳: ۸۱). ارزش دیجیتال به‌طور عمده بر بستر بلاک‌چین فعالیت می‌کند که ممکن است مسائل خاص خود را از جمله امنیت و حفظ اطلاعات داشته باشد. قراردادهای قرض باید این مسائل را نیز در نظر بگیرند. از جانب دیگر اجرای قراردادهای قرض ارزش دیجیتال باید مطابق با قوانین محلی و بین‌المللی باشد و در صورت بروز اختلاف، باید ساز و کارهای قانونی برای حل و فصل آن پیش‌بینی شود. در کل، با توجه به تحولاتی که فناوری دیجیتال ایجاد کرده است، امکان قرض دادن و گرفتن ارزش و اموال دیجیتال، مانند ارزش‌های دیجیتال یا دارایی‌های مبتنی بر بلاکچین، موضوعی پیچیده و قابل بحث است. چه اینکه

در قرارداد قرض، مال باید به گونه‌ای باشد که قابلیت تملیک و بازگشت مشابه آن از نظر مقدار، جنس و وصف وجود داشته باشد. ارزشهای دیجیتال، با توجه به اینکه دارای ارزش قابل اندازه‌گیری و قابل انتقال هستند، از این نظر به نظر می‌رسد که می‌توانند موضوع قرض قرار بگیرند. مشابه پول‌های فیات، ارزشهای دیجیتال هم می‌توانند با توجه به ویژگی‌های دیجیتال و غیر ملموس بودنشان، به عنوان موضوع قرارداد قرض محسوب شوند. در این میان، شرط اصلی در قرض این است که طرف قرض گیرنده باید مشابه مال دریافتی را از نظر مقدار، جنس و وصف بازگرداند. در مورد ارزشهای دیجیتال، مانند بیت کوین یا اتریوم، این شرط نیز می‌تواند برقرار باشد، زیرا می‌توان همان مقدار از ارز دیجیتال را بدون تفاوت در جنس یا کیفیت، به قرض دهنده بازگرداند. اما چالش اصلی در نوسانات شدید ارزش این ارزهاست که ممکن است بازگرداندن "مثل" در عمل با تفاوت زیادی در ارزش مواجه شود. این نکته را باید در نظر داشت که با توجه به ویژگی‌های خاص اموال دیجیتال، مانند ماهیت غیر متمرکز، نوسانات شدید در ارزش، و مشکلات فنی مانند دسترسی به کیف پول‌های دیجیتال، قرض دادن و گرفتن این اموال می‌تواند چالش‌های حقوقی جدیدی ایجاد کند (ایوبی، ۱۴۰۳: ۷۸-۱۵۱). به عنوان مثال، در صورت نوسان شدید ارزش یک ارز دیجیتال، چگونگی بازپرداخت ممکن است مورد اختلاف قرار گیرد. بر این اساس، از نظر نظری، قرض دادن و گرفتن ارز و اموال دیجیتال می‌تواند امکان‌پذیر باشد، زیرا این اموال دارای ویژگی‌های مشابه پول‌های سنتی هستند. اما به دلیل نبود قوانین روشن و چالش‌های حقوقی موجود، انجام چنین معاملاتی باید با دقت و با در نظر گرفتن مقررات موجود در حوزه دارایی‌های دیجیتال صورت گیرد.

۵- امکان سنجی اجاره ارز دیجیتال

اجاره در فقه اسلامی به عنوان عقدی شناخته می‌شود که در آن منفعت یک مال مشخص در برابر عوض معلوم به مستأجر منتقل می‌شود. تعاریف مختلفی از اجاره ارائه شده است که هر کدام به زوایای خاصی از این عقد اشاره دارند. به عنوان نمونه، شهید اول اجاره را به عنوان «عقد بر تملیک منفعت معلوم و مشخص در برابر عوض معلوم و مشخص» تعریف کرده است (شهید اول، ۱۳۸۱: ۱۵). این تعریف نشان‌دهنده لزوم مشخص بودن منفعت و عوض در این عقد است. علامه حلی نیز تعریف مشابهی ارائه داده و اجاره را «تملیک المنفعة بعوض معلوم» دانسته است (حلی، ۱۳۹۸: ۱۸۱). بررسی این تعاریف نشان می‌دهد که اجاره بر انتقال منافع یک شیء معین استوار است و تفاوت آن با بیع در عدم انتقال عین می‌باشد. حال، در زمینه ارز دیجیتال، سوال اصلی این است که آیا این نوع دارایی‌ها قابلیت اجاره را دارند یا خیر؟ از آنجا که ارزشهای دیجیتال در زمره اموال ملموس قرار نمی‌گیرند و منفعت مستقلاً از ذات خود ندارند، امکان اجاره آنها محل تردید است. به بیان دیگر، برای صحت عقد اجاره، باید منفعتی معین و قابل انتفاع وجود داشته باشد که بتواند در برابر عوض معین به مستأجر واگذار شود. در مورد ارز دیجیتال، چالش اصلی در اثبات وجود چنین منفعتی است.

اجاره ارز دیجیتال موضوعی است که نیاز به تحلیل دقیق از منظر فقه اسلامی و حقوقی دارد، زیرا این مفهوم نسبتاً جدید بوده و بسیاری از ابعاد آن هنوز به طور کامل تبیین نشده است. ارزهای دیجیتال دارایی‌هایی هستند که به طور کامل در فضای دیجیتال وجود دارند و معمولاً برای پرداخت‌ها، سرمایه‌گذاری یا حفظ ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرند. از منظر فقهی و حقوقی، اجاره به معنای انتقال منافع یک عین در برابر عوض است؛ درحالی‌که ارز دیجیتال فاقد وجود عینی بوده و ماهیت آن به عنوان یک دارایی اعتباری تعریف می‌شود. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان برای ارز دیجیتال منفعتی مستقل از عین آن تصور کرد که قابلیت انتقال در قالب اجاره داشته باشد؟ به نظر می‌رسد که در صورت عدم تحقق یک منفعت مستقل و عینی، اجاره ارز دیجیتال فاقد مبنای فقهی و حقوقی خواهد بود. بررسی این موضوع مستلزم واکاوی دقیق مبانی بیع و اجاره در فقه اسلامی و حقوق موضوعه است تا امکان انتقال عین یا منافع ارز دیجیتال مورد تحلیل قرار گیرد. از منظر فقهی، برای اینکه ارز دیجیتال بتواند موضوع اجاره قرار گیرد، باید دو شرط اصلی محقق شود:

قابلیت انتفاع مشروع از منافع مال: در اجاره، باید منافع یک مال به طور مشروع و مشخص به مستأجر منتقل شود. در مورد ارز دیجیتال، باید بررسی شود که آیا می‌توان از آن به عنوان منبعی برای تولید منفعت مشروع (مثلاً از طریق بهره‌برداری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری) استفاده کرد یا خیر.

مشخص بودن منافع: منافع مال در عقد اجاره باید مشخص و معین باشد. در مورد ارز دیجیتال، ممکن است ابهاماتی در مورد نوع و میزان منفعی که می‌توان از آن به دست آورد وجود داشته باشد.

در حال حاضر، بسیاری از کشورها قوانین خاصی برای بیع و اجاره ارز دیجیتال تدوین نکرده‌اند و این موضوع بر اساس اصول کلی حقوقی مانند قراردادهای مدنی قابل بررسی است. از منظر تحلیلی، امکان انتقال عین یا منافع ارز دیجیتال مستلزم تعیین ماهیت حقوقی آن است. اگر ارز دیجیتال را نوعی مال یا دارایی در نظر بگیریم، می‌توان درباره قابلیت واگذاری آن از طریق بیع یا اجاره بحث کرد. اما در صورتی که ارز دیجیتال به عنوان نوعی پول تلقی شود، بررسی آن در قالب قراردادهایی مانند مضاربه ضرورت می‌یابد تا مشخص شود آیا قابلیت انتقال و استفاده در چنین چارچوبی را دارد یا خیر (امامی و یزدانی، ۱۳۹۷: ۱۱۵). در این موارد، مالک ارز دیجیتال (موجر) به طور موقت ارز خود را به دیگری (مستأجر یا وام‌گیرنده) واگذار می‌کند تا از آن برای کسب سود استفاده کند، و در مقابل، مقداری اجرت یا سود دریافت می‌کند. این نوع قراردادها بیشتر به قراردادهای مالی شباهت دارند و ممکن است تحت قوانین و مقررات مالی و بانکی قرار گیرند. اجاره ارز دیجیتال از منظر فقهی به دلیل عدم وجود منافع مستقیم و مشخص از ارز دیجیتال به عنوان موضوع اجاره، با چالش‌هایی روبروست. از منظر حقوقی نیز، این موضوع جدید و نیازمند تدوین قوانین و مقررات خاص است. با این حال، برخی قراردادهای مشابه (مانند وام‌دهی ارز دیجیتال) ممکن است به عنوان جایگزین‌هایی برای اجاره در

نظر گرفته شوند. برای انجام این نوع معاملات، لازم است که شرایط و قوانین مربوط به آن در کشور مورد نظر به دقت بررسی شود.

قانونگذار در ماده ۴۶۶ قانون مدنی، عقد اجاره را به این صورت تعریف کرده که اجاره، قراردادی است که بر اساس آن، مستأجر مالک منافع ملک مورد اجاره می شود. در این تعریف، اجاره دهنده را موجر، اجاره کننده را مستأجر و ملک اجاره شده را عین مستأجره می نامند. همچنین، ماده ۴۶۷ قانون مدنی اشاره می کند که مورد اجاره می تواند شامل اشیاء، حیوانات یا انسان باشد. برای صحت اجاره، مستأجر باید توانایی تحویل گیری مال مورد اجاره را داشته باشد و بهره مندی از منافع آن نباید موجب زوال اصل مال شود. مال مورد اجاره باید معین باشد و اجاره اشیای مبهم یا نامشخص باطل است. لازم نیست موجر مالک اصل مال باشد، اما باید مالک منافع آن باشد. مستأجر حق دارد مال مورد اجاره را به دیگری واگذار کند، مگر اینکه در قرارداد شرط خلافی درج شده باشد. همچنین، اگر در زمان اجاره مشخص شود که عین مستأجره معیوب است، مستأجر می تواند قرارداد را فسخ کند یا با پرداخت کامل اجاره، آن را به همان شکل قبول کند؛ اما اگر موجر بدون آسیب به مستأجر عیب را رفع کند، حق فسخ وجود ندارد. در حقوق مدنی ایران، اجاره اموال به طور سنتی به اموال مادی و ملموس مانند اشیاء، حیوانات و انسان ها محدود شده است، همان طور که در ماده ۴۶۷ قانون مدنی آمده است. این ماده به اجاره اموال دیجیتال اشاره ای ندارد، زیرا در زمان تدوین قانون مدنی، اموال دیجیتال مطرح نبوده اند.

با این حال، برای بررسی امکان اجاره اموال دیجیتال در حقوق مدنی ایران، باید به شرایط عمومی اجاره در قانون مدنی توجه کنیم. برخی از این شرایط عبارتند از:

طبق قانون، عین مستأجره باید مشخص و معین باشد و اجاره مال مجهول یا مبهم باطل است. از آنجا که تعریف «عین» در حقوق ایران به طور سنتی به اشیاء مادی و قابل لمس اشاره دارد که به صورت مستقیم قابل انتقال هستند (بهرامی خوشکار و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۵)، بررسی امکان اجاره ارز دیجیتال مستلزم تحلیل تطبیقی و تفسیری از مفهوم عین است. با پیشرفت فناوری و ورود به عصر دیجیتال، مفهوم عین نیازمند تفسیر جدیدی است که بتواند به واقعیت های موجود پاسخ دهد (فیض، ۱۴۰۱: ۱۷۶-۱۵۳). در حال حاضر، ارزش های دیجیتال به عنوان دارایی های غیرمادی و مبتنی بر فناوری بلاک چین مطرح اند. این دارایی ها، علی رغم ماهیت غیرمادی، ویژگی هایی چون قابلیت انتقال، شناسایی و مالکیت اختصاصی دارند. در نتیجه، می توان پرسید که آیا ارزش های دیجیتال را می توان به عنوان عین مستأجره در قرارداد اجاره در نظر گرفت؟ به نظر می رسد که عین باید دارای وجود مادی باشد، اما با توجه به تحولات فناوری و رویکردهای نوین، می توان مفهوم عین را به اموال دیجیتال نیز تسری داد. چنانچه بتوان ارز دیجیتال را به طور دقیق مشخص و تملک آن را اثبات کرد، می توان آن را مشمول تعریف عین دانست و از این رو، امکان اجاره آن بررسی پذیر خواهد بود. با این تفسیر، اجاره ارز دیجیتال به عنوان واگذاری موقت منافع این دارایی در قبال دریافت اجرت، می تواند از منظر حقوقی مورد

بررسی قرار گیرد. اگر اجاره به معنای انتقال موقت منفعت مال باشد، باید مشخص شود که چه منفعتی از ارزش دیجیتال قابل انتقال است. در برخی موارد، دارندگان ارزش دیجیتال ممکن است به جای انتقال مالکیت، حق استفاده محدود از کیف پول دیجیتال خود را به دیگری واگذار کنند. این امر می تواند به عنوان یک نوع اجاره در نظر گرفته شود. در حقوق کشورهای پیشرفته، بدون تغییرات عمده در قوانین، از طریق تفسیر حقوقی به چالش های مشابه پاسخ داده شده است. در حقوق ایران نیز می توان با بهره گیری از اصول حقوقی و استدلال های منطقی، دامنه مفهوم عین را گسترش داد و آن را با نیازهای جدید جامعه و تحولات فناوری سازگار کرد.

ارزش دیجیتال به عنوان یک دارایی دیجیتال و غیرمادی، خصوصیات متفاوتی نسبت به اموال مادی دارد و انتقال مالکیت موقت در آن، با مشکلات و محدودیت های حقوقی و فنی همراه است. با این حال، برخی پلتفرم های ارزش دیجیتال امکان واگذاری ارزش دیجیتال به افراد دیگر را در قالب قراردادهای وام فراهم کرده اند. در این موارد، ارزش دیجیتال به طور موقت در اختیار فردی قرار می گیرد که از آن برای معاملات یا سرمایه گذاری استفاده می کند و در پایان مدت تعیین شده، ارزش دیجیتال یا معادل آن به مالک بازمی گردد، در حالی که مالک نیز از این عمل سود مشخصی کسب می کند. به نظر می رسد این سازوکار بیشتر در قالب عقد قرض قابل بررسی باشد، نه اجاره، زیرا در قراردادهای اجاره، مال مورد اجاره باید قابلیت بقا داشته باشد، در حالی که در اینجا، گیرنده ارزش دیجیتال امکان تصرف کامل و مصرف آن را دارد. یکی از مثال های رایج برای این نوع واگذاری، پلتفرم های وام دهی ارزش دیجیتال مانند BlockFi یا Aave است. در این پلتفرم ها، کاربران می توانند ارزش دیجیتال خود را به دیگران وام بدهند و در ازای آن سودی معین دریافت کنند (Kwon, 2022: 379). این سود بر اساس مقدار و مدت زمان وام دهی و نرخ های بهره تعیین شده توسط پلتفرم ها محاسبه می شود.

انتفاع از عین مستأجره بدون زوال آن: طبق قانون، اجاره باید به گونه ای باشد که مستأجر بتواند از منافع مال بهره مند شود بدون آن که اصل مال از بین برود. اموال دیجیتال، که ذاتاً غیرملموس و قابل تکثیر هستند، معمولاً چنین شرطی را برآورده می کنند؛ یعنی استفاده از یک نرم افزار یا سرویس دیجیتال باعث از بین رفتن اصل آن نمی شود.

مالکیت منافع توسط موجر: موجر باید مالک منافع مال باشد. در مورد اموال دیجیتال، اگر شخص یا شرکت دارای حق بهره برداری یا مجوز قانونی باشد، امکان اجاره آن به دیگری نیز وجود دارد.

در نتیجه، با توجه به انعطاف اصول کلی اجاره در قانون مدنی، امکان اجاره اموال دیجیتال در حقوق ایران به صورت ضمنی وجود دارد، اگرچه تصریح قانونی خاصی در این مورد وجود ندارد. از طرفی، در مواردی که نیاز به تنظیم دقیق تر این موضوعات وجود دارد، می توان به قواعد قراردادهای خصوصی یا قوانین مربوط به فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیکی استناد کرد. مفهوم بیع در فقه و حقوق به معنای تبادل مالکیت از یک طرف به طرف دیگر در ازای عوض مشخص است. بیع یکی از اصلی ترین عقود معوض به شمار می آید که در آن، مبیع (مالی که به فروش می رود) در قبال ثمن (عوض، معمولاً پول یا کالای دیگری) مبادله می شود. این عقد، پایه گذار بسیاری از روابط اقتصادی است و به

عنوان اصلی‌ترین شکل قراردادهای تجاری در حقوق ایران و فقه اسلامی شناخته می‌شود. به موجب ماده ۳۳۰ قانون مدنی ایران، در بیع، انتقال مالکیت و عوض آن در یک زمان معین به هم می‌پیوندد. در این قرارداد، مالکیت مبیع به طرف دیگر منتقل می‌شود و در ازای آن، فرد خریدار موظف است عوض مورد توافق را پرداخت نماید.

ارزهای دیجیتال، نظیر بیت‌کوین، با آنکه فاقد عینیت فیزیکی هستند، اما به دلیل ویژگی‌های خود همچون ارزش اقتصادی و قابلیت انتقال، می‌توانند به عنوان "مال" شناخته شوند. این ارزشها برخلاف پول رایج که صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای مبادله محسوب می‌شوند، دارای ویژگی‌های یک دارایی مستقل با ارزش اقتصادی هستند و به‌طور مستقیم می‌توانند به عنوان موضوع بیع قرار گیرند (ایوبی، ۱۴۰۳: ۳۴). به همین دلیل، علما و فقهای اسلامی، ارز دیجیتال را می‌توانند به عنوان مال غیر عینی که قابلیت مبادله و نقل و انتقال دارد، در نظر بگیرند.

نتیجه گیری

ارزهای دیجیتال، به عنوان یکی از نوآوری های عصر دیجیتال، مفاهیم سنتی حقوقی و فقهی را به چالش کشیده اند. این دارایی های ناملموس، که در بستری غیر متمرکز و فناورانه وجود دارند، در عین دارا بودن ارزش اقتصادی، به دلیل ماهیت نوظهور خود با ابهاماتی در پذیرش به عنوان موضوع عقود سنتی نظیر بیع، اجاره و قرض مواجه اند.

بر اساس یافته های این پژوهش، در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران، ارزهای دیجیتال به دلیل دارا بودن ویژگی هایی نظیر مالیت، قابلیت انتقال و ارزش اقتصادی، می توانند موضوع قرارداد بیع قرار گیرند. این نتیجه گیری از آنجا ناشی می شود که ملاک مالیت در فقه و حقوق، منفعت عقلایی و ارزش مبادله ای است که ارزهای دیجیتال از آن برخوردارند. در مقابل، اجاره ارزهای دیجیتال با چالش های جدی روبه رو است؛ زیرا تعریف اجاره به عنوان عقدی مبتنی بر منافع مشروع و مشخص، در خصوص این دارایی ها دشوار به نظر می رسد. قرض ارزهای دیجیتال نیز به دلیل ماهیت جایگزینی و انتقال پذیری آنها، در برخی موارد با قواعد فقهی قابل انطباق است.

در خصوص امکان توقیف ارزهای دیجیتال، یافته ها نشان می دهند که به دلیل قابلیت ذخیره سازی و انتقال دیجیتال این دارایی ها، امکان توقیف آنها به صورت فنی وجود دارد؛ اما اجرای این امر نیازمند زیرساخت های حقوقی و فناوری مناسب است. فقدان مقررات شفاف و ابزارهای حقوقی موثر برای توقیف این دارایی ها در ایران، می تواند به موانع عملی در اجرای احکام قضایی منجر شود.

در فقه اسلامی، مال باید دارای ارزش اقتصادی باشد و قابلیت نقل و انتقال را دارا باشد تا قابل بیع باشد (صادقی و مرادی، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۸۳). ارز دیجیتال، با اینکه عین فیزیکی ندارد، اما از نظر ویژگی های مالی و اقتصادی شباهت زیادی به اموال غیر عینی مانند پول رایج دارد. از این رو، می توان گفت که بیع ارز دیجیتال نه تنها امکان پذیر است، بلکه با اصول فقهی تطابق دارد. در مورد اجاره ارز دیجیتال، اگرچه این مسأله جدید است و جنبه های مختلف آن در فقه اسلامی و حقوقی هنوز به طور کامل روشن نشده است، اما به طور کلی در عقد اجاره، مالک باید منافع مال خود را در قبال عوض مشخص به دیگری واگذار کند. ارز دیجیتال، برخلاف اموال فیزیکی، منافع مستقیمی ندارد که به دیگران واگذار شود، اما به عنوان یک دارایی دیجیتال با ارزش، می توان از آن برای سرمایه گذاری یا معاملات بهره برد. بنابراین، در صورتی که منافع ارز دیجیتال به طور مشروع و معین قابل بهره برداری باشد، می توان آن را در قالب یک عقد اجاره یا قرارداد مشابه به عنوان موضوع قرارداد مطرح کرد. براین اساس، این سوال مطرح می شود که با توجه به ویژگی های منحصر به فرد ارز دیجیتال، آیا قوانین موجود می توانند به طور کامل این نوع قراردادها را پوشش دهند؟ به نظر می رسد که اجاره ارز دیجیتال نیاز به مقررات خاص خود دارد، زیرا این ارزها از ماهیت دیجیتال و غیر فیزیکی برخوردارند و به طور مستقیم نمی توانند به عنوان منافع یک مال فیزیکی مطرح شوند. از این رو، بایستی در چارچوب قوانین نوین و با تفسیر دقیق تری از مفاهیم حقوقی، ماهیت و کارکرد آنها بررسی شود.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذاران و مراجع فقهی با بازنگری در اصول و قواعد سنتی، مقرراتی متناسب با ماهیت ارزشهای دیجیتال تدوین کنند. این مقررات باید علاوه بر تأمین مشروعیت فقهی، پاسخگوی نیازهای عملی معاملات و دعاوی مربوط به این دارایی‌ها باشند. همچنین، تقویت زیرساخت‌های فناوری و تدوین رویه‌های حقوقی برای شناسایی و توقیف ارزشهای دیجیتال، می‌تواند در تنظیم بهتر روابط اقتصادی و تجاری مؤثر واقع شود.

پژوهش حاضر با ارائه این تحلیل، زمینه‌ای برای بررسی عمیق‌تر مسائل مرتبط با ارزشهای دیجیتال فراهم می‌آورد و ضرورت همکاری میان حقوقدانان، فقها و متخصصان فناوری را در مواجهه با این پدیده نوین آشکار می‌سازد.

نسخه پیش از انتشار

منابع

- ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۳۷۴). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ج ۲، انتشارات اعلمی طهران.
- احمدی، سید محمد مهدی، علی، حسنی، حسینی، سید علیرضا (۱۴۰۲). «تحلیل تطبیقی بیع کلی ما فی الذمه در فقه و حقوق ایران». *مطالعات فقه اقتصادی*، ۱۶ (۵)، ۱۵۲-۱۶۷. <https://doi.org/10.22034/ejs.2023.363790.1306>
- استفتاء از دفتر آیت الله سید محمد علی علوی گرگانی، به شماره: ۱۷۰۲۳
- امامی، حسن (۱۳۷۷). *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ نوزدهم، بهار. ج ۱ و ۲.
- امامی، محمد و یزدانی، غلامرضا (۱۳۹۷). «باز پژوهی جایگاه ارش در عقد اجاره». *جستارهای فقهی و اصولی*، ۴ (۲)، ۱۱۷-۱۰۱. <https://doi.org/10.22034/jrj.2018.66148>
- ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی. (۱۴۰۶). *حاشیه مکاسب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایوبی، ستاره (۱۴۰۳). *دگرگونی نگرش به اموال در بستر دیجیتال*، رساله جهت اخذ درجه ی دکتری در رشته ی حقوق خصوصی، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
- بهرامی خوشکار، محمد، حسینی یکتا، سید سعید، صیادی، صادق (۱۴۰۱). «بررسی ریشه نظری عینیت مبیع در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه». *مطالعات فقه اسلامی و مبانى حقوق*، دوره ۱۶، شماره ۴۵. Doi: <https://doi.org/10.22034/FVH.2021.5747>
- جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۷۷). *ترمیمی لوژی حقوق*، چاپ پنجم، کتابخانه گنج دانش.
- حیدری، محمد حسین (۱۴۰۳). *ماهیت سنجی داریی های دیجیتال در نظام حقوقی ایران و انگلستان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- رسانی نیا، ناصر (۱۳۷۶). *حقوق مدنی*، چاپ اول، انتشارات آوای نور.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). *تشکیل قراردادها و تعهدات*، انتشارات مجد، چاپ پنجم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۱). *ارث*، تهران، انتشارات مجد، چاپ هفتم.
- شیروانی، علی (۱۴۰۲). *ترجمه و تبیین شرح لمعه*، نشر دارالعلم.
- صادقی مقدم، محمد حسن و مرادی (۱۳۹۹). «رهن منفعت در فقه امامیه». *پژوهش حقوق خصوصی*، ۹ (۳۳)، ۱۵۹-۱۸۷. <https://doi.org/10.22054/jplr.2020.45869.2271>
- صفایی، سید حسن (۱۳۹۰). *دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و اموال*، جلد ۱، نشر میزان، چاپ سیزدهم.
- عدل، مصطفی (۱۳۵۴). *حقوق مدنی*، چاپ هشتم، انتشارات امیر کبیر.

- فیض، داود، باقرنژاد حمزه کلایی، محمد ابراهیم و ماه‌آورپور، فهیمه. (۱۴۰۱). «چالش‌ها و راهکارهای به‌کارگیری فناوری نوین در بازاریابی ایران (مورد مطالعه: فناوری واقعیت افزوده)». *تحقیقات بازاریابی نوین*، ۱۲(۳)، ۱۷۶-۱۵۳. <https://doi.org/10.22108/nmrj.2022.133629.2700>
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *درس‌هایی از عقود معین*، تهران، کتاب‌خانه گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). *قواعد عمومی قراردادها*، جلد دوم، تهران، گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت*، نشر میزان، چاپ سیزدهم.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). *مقالات حقوقی*، جلد دوم؛ چاپ دوم، انتشارات تهران.
- محقق حلی (۱۳۹۸). *فقه الاجاره از شرایع الاسلام*، ترجمه مهدی رحیمی، نشر چتر دانش.
- محمدبن مکی شهید اول (۱۳۸۱). *لمعه دمشقیه: شهید اول (جلد ۱)*، مترجمان: فرهاد ادریسی، خداداد محبی، محمود ساجدی‌فر.
- مددی، مهدی (۱۴۰۱). «جستار فقهی - حقوقی در مسئله قانونمندسازی استخراج گری ارزهای رمزنگاری شده» *اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۱ (۴۱): ۳۰۷-۳۳۳. URL: <http://mieaoi.ir/article-1-1230-fa.html>
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۵). *حقوق مدنی*، تهران، پایدار.
- معین، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ معین*، جلد یازدهم، چاپ یازدهم، انتشارات امیر کبیر.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۸). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ چهاردهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- نعمتی، احسان، پروین، محمدرضا، طالقان غفاری، مهدی (۱۴۰۰). «تحلیلی بر رویکردهای مبتنی بر حصری یا تمثیلی بودن ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ با نگاهی اجمالی به کنوانسیون برن». *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۵(۱)، ۲۳۷-۲۵۸. doi: 10.22080/lps.2021.22125.1253
- Kwon, S. (2022). *Regulation of DeFi Lending: Agency Supervision on Decentralization*. *Colum. Sci. & Tech. L. Rev.*, 24, 379.

An Analytical Study on the Transferability of the Property or Its Benefits in Digital Currencies

Setare Ayoubi

PhD in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding author). setare.ayoubi@gmail.com

Sam Mohammadi

Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. s.mohammadi@umz.ac.ir

Seyed Hassan Hosseini Moghadam

Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir

Abstract

This research adopts an analytical approach to examine the legal and jurisprudential challenges of digital currencies in the conclusion of traditional contracts such as sale, lease, and loan. The focus on these contracts stems from their significance as primary instruments of asset transfer in legal and jurisprudential systems. Given the definitions accepted in civil law and jurisprudential texts, which regard these contracts as transferring either the corpus or the benefits of a tangible asset, the question arises as to what extent digital currencies, with their intangible and digital nature, conform to this framework. Additionally, the possibility of seizing digital currencies within the framework of Islamic jurisprudence and Iranian civil law will be analyzed. In this regard, the present study focuses on general criteria and existing legal and jurisprudential principles rather than creating new standards for the legitimacy or illegitimacy of digital currencies. The research findings indicate that in Islamic jurisprudence, digital currencies, due to their economic value, transferability, and lawful usability, can be the subject of sale and loan contracts. However, leasing these assets faces challenges due to ambiguities in defining specific and legitimate benefits. In this context, the principle of *ibaha* (permissibility) may also be considered in assessing the legitimacy of such transactions. Nevertheless, some jurists argue that transactions involving digital currencies are uncertain (*gharar*) and involve risks, making their validity questionable. In this regard, the fatwa of the Supreme Leader must also be taken into account. In Iranian civil law, the sale and loan of digital currencies are accepted due to their economic value and transferability, but leasing them requires a revision of the classical principles and conditions of lease contracts. Furthermore, the seizure of digital currencies as an enforcement measure in Iranian civil and criminal law faces legal and technical obstacles due to the unique characteristics of these assets, such as anonymity, decentralization, and reliance on technological infrastructures. This research emphasizes the necessity of drafting clear and comprehensive regulations to govern this domain, ensuring both religious and legal legitimacy while guaranteeing their practical enforceability. Given the existing challenges, it is recommended that legislators consider various jurisprudential perspectives, particularly the fatwa of the Supreme Leader, to formulate regulations that safeguard public interests while preventing the misuse of these financial instruments. The research methodology adopted in this article is descriptive-analytical.

Keywords: Sale, lease, loan, Cryptocurrency, property, real estate, interest.